



تحلیل محتوای کتاب ریاضی سوم دوره ابتدایی با روش ادوارد فرای

ماشالله زارع

کاردانی آموزش ابتدایی

Mashaallahzareh@gmail.com

چکیده

هدف از این مطالعه، ارزیابی، سنجش خوانایی کتاب ریاضی پایه سوم ابتدایی براساس شاخص فرای و دسترسی به میزان پایبندی محتوای آن به رعایت اصول برنامه‌ریزی است. روش تحلیل محتوا از روش‌های توصیفی می‌باشد و شاخص ارزیابی در این پژوهش فرای می‌باشد. جامعه‌ی مورد مطالعه در این پژوهش، کتاب ریاضی پایه‌ی سوم بوده و برای هر شاخص سه نمونه از ابتدا، وسط و انتهای کتاب به عنوان نمونه، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. برای اجرای روش فرای سه نمونه ۱۰۰ کلمه‌ای از ابتدا، وسط و انتهای کتاب انتخاب شد. نتایج حاصل از تحلیل آن نشان داد که اصل ساده به دشوار در تنظیم محتوای کتاب رعایت نشده است و قدرت خوانایی و سطح کلاسی نسبت به کلاس سوم تناسب ندارد.

کلید واژه‌ها: تحلیل محتوا، ریاضی، پایه‌ی سوم، قدرت خوانایی

مقدمه

باید دانست که انسان با تربیت معنی پیدا می‌کند و پیشرفت‌ها و دست‌آوردهای او محصول و مرهون تربیت است. به قول کانت^۱: «بشر تنها با تعلیم و تربیت آدم تواند شد و آدمی جز چیزی از آنچه تربیت از او می‌سازد نیست» (کانت، ترجمه شکوهی، ۱۳۶۸). در این ارتباط، تربیت تجربی از اهمیت اساسی برای نظام تعلیم و تربیت هر کشور برخوردار است و ایجاب می‌کند که طرز تلقی ما نسبت به جهان، انسان، علم، یادگیری و شیوه‌های آن و سایر عناصر مربوط به تعلیم و تربیت تغییر کرده و دوباره توصیف شود. تعلیم و تربیت به علت ارتباط متقابل و عمیقی که با حوزه‌های مختلف معرفت و ارکان زندگی بشر دارد ناگزیر از تأثیر است و باید مطابق با تحولات جامعه، تجدید ساختار یافته تا بتواند پاسخگوی نیازها و خواست‌های افراد جامعه بوده و جامعه را در جهت تعالی سوق دهد (عطاران، ۱۳۸۳).

از این رو باید در نظر داشت که دوره‌ی ابتدایی از دوران حساس و مهم در تعلیم و تربیت و به خصوص در شکل‌گیری شخصیت تجربی دانش‌آموزان است. آموزش ریاضی در دوره‌ی ابتدایی از اهمیت زیادی برخوردار است و نباید فراموش کرد که کودکان در این دوره در مرحله عملیات عینی قرار دارند؛ از این رو مسائل عینی و ملموس که مرتبط با موضوع زندگی فردی و تجربی او است، سریع و قابل فهم‌تر می‌باشد (چیت‌ساز، ۱۳۸۹).

بنابراین تربیت به عنوان یک ضرورت نظام آموزشی از یک سو و جایگاه مبهم آن در برنامه‌ی درسی و محتوای آموزشی از سوی دیگر نیاز به پژوهش در این زمینه را ضروری می‌سازد. یادگیری در این دوران از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا این امر بر ساخت شخصیت فرد هم از نظر علمی و هم از نظر کیفی تأثیر دارد و یادگیری‌های این دوره، مقدمه‌ای برای دستیابی به ظرفیت‌های بعدی خواهد بود. بنابراین هرگونه تعلل در تدوین و تألیف منابع یادگیری این دوره و آموزش‌های خاص آن پیامدهای سوء و شاید دائمی به همراه خواهد داشت (رضایی، ۱۳۸۵). در این میان برای تغییر و تعدیل رفتار فراگیران، نقش اساسی بر عهده‌ی آموزش و پرورش است. نظام آموزش و پرورش ایران متمرکز و برنامه، کتاب و معلم، محورهای اساسی آموزش و یادگیری‌اند و در بسیاری از موارد، کتاب درسی تنها رسانه‌ی آموزشی است که در اختیار معلم قرار دارد و فرآیند تدریس و یادگیری تنها با اتکا به محتوای برنامه‌ی درسی صورت می‌پذیرد. در حقیقت کتاب درسی یا محتوا در نظام‌های آموزشی سند مکتوب و مدون تعلیم و تربیت محسوب می‌شود که فعالیت‌ها و تجارب یادگیرندگان بر محور آن سازماندهی می‌شود. بنابراین محتوای مطلوب کتاب‌های درسی می‌تواند دانش‌آموزان را به چالش

^۱ - kant